

قرار است کشت خشخاش در ایران، آزاد شود و به مصرف دارویی برسد!



نگاه روزنامه‌نگار

## زمان پرسش‌های سخت درباره پروژه هسته‌ای



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

زمانی کوتاه تا بازگشت ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و قرار گرفتن تحت تحریم‌های بین‌المللی باقی مانده است. در چنین شرایطی، جریان افراطی داخلی به دنبال چیست؟ دوره افتاده‌اند که ما گفته بودیم و هشدار داده بودیم. آن‌ها را محاکمه کنید و الی آخر. اما به صورت زیرکانه‌ای از روی این که «چه چیزی» در حال بازگشت است، عبور می‌کنند. حق هم دارند. «هیچ بقالی نمی‌گوید ماست من ترش است»، چرا باید بگویند به راحتی و با تکیه بر برخی اوهام، پرونده هسته‌ای را امنیتی‌تر از پیش کردند و قطعه‌نامه پشت قطعه‌نامه به دست آوردند. آن‌ها احتمالاً فراموش نکرده‌اند که مسئولین در دهه هشتاد با برخی شعارها و عملکردها به تهدیدنمایی مورد نیاز اسرائیل و آمریکا از کشورمان دامن می‌زدند و وضعیتی در جامعه بین‌المللی ایجاد کردند که اقدامات ضدایرانی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بعد از آن گذراندن قطعه‌نامه‌های تحریمی ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد در شورای امنیت، با مخالفت قدرت‌های شرقی یعنی چین و روسیه نیز مواجه نشد، رای مثبت آن‌ها پای قطعه‌نامه‌های شورای امنیت وجود دارد.

اما از حق که نگذریم، همانطور که این جماعت در روزهای اخیر مطالبه می‌کنند، خوب است که محاکمه‌ای علنی با پخش زنده تلویزیونی برگزار شود، طریف، روحانی، عراقچی، تخت‌روانچی، باقری، احمدی‌نژاد، سعید جلیلی و هر کسی که در ۲۲ سال گذشته در این پرونده مسئولیتی داشته را دادگاهی کنند که همه بدانند این وضعیت سخت بر سر یک برنامه غیر ضروری چرا به وجود آمده است. اما این که عاملان امنیتی کردن پرونده هسته‌ای امروز در جایگاه مطالبه‌گری ایستاده‌اند و علم «دبیدید گفته بودیم» به دست گرفتند، حرف سیاسی بی‌ارزشی است. خوب است امروز محاسبه‌ای صورت بگیرد و به صورت صادقانه، آورده‌های این پروژه پرهزینه را برای مردم تبیین کنند. حتی اگر قبول کنیم محدودیت‌های هسته‌ای ایجاد شده پس از برجام اهمیتی داشته، این دوره را از ۲۲ سال گذشته کم کنیم و باقی سال‌ها را روی میز بگذاریم.

توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بیشترین چیزی بود که ایران توانست به دست بیاورد. مانند هر اقدام سیاسی دیگری در دنیا، ضعف و قوت داشت اما همانقدر که در تل‌آویو و واشنگتن برای مرگ آن تلاش شد، در تهران هم تلاش‌های زیادی صورت گرفت. این‌طور نبود که ایران راه همواری را برای حفظ این توافق در پیش داشته باشد. تمام تلاش‌ها برای احیای آن هم با کارشکنی این جماعت از بین رفت. آن‌ها البته درگیر شدن غیر ضروری ایران در جنگ اوکراین و تبدیل شدن به تهدیدی برای کشورهای اروپایی را هم فراموش می‌کنند و حتی تقصیری برای آمریکایی‌ها که این روند را از بین بردند، قائل نیستند. چرا که آفت درگیر شدن مسائل راهبردی کشور با مسائل کم‌ارزش و دم‌دستی سیاست داخلی، خود را در چنین بزنگاه‌هایی نشان می‌دهد. مهم نیست که چه اتفاقاتی رخ داده و کشور با چه شرایطی روبه‌رست. همین که آن‌ها بتوانند از این نمد برای خود کلاه بیافند، برایشان کافی است. جامعه ایران در موضوع هسته‌ای، رخداد‌های مختلفی را پشت سر گذاشت. از تحریم و فشارهای سیاسی-اقتصادی و ترور تا جشن رسیدن به یک توافق هسته‌ای جوانمرد، کارشکنی‌های جریان پر قدرت داخلی ذینفع در تحریم‌های اقتصادی و در نهایت یک جنگ ۱۲ روزه. می‌توان با اطمینان گفت که راه‌های مختلف برای حل این مسئله طی دو دهه گذشته پیموده شده و در نهایت کار به این نقطه رسیده است. سهم جمهوری اسلامی و کشورهای غربی و شرقی هم در به وجود آمدن این وضعیت متفاوت با یکدیگر است. در نهایت به جایی رسیدیم که حق هسته‌ای را تا قبل از بمباران تاسیسات کشورمان داشتیم اما در عرصه‌های مختلف، عقب افتادیم. امروز هم این امکانات در بمبارانی که نتوانستیم با آن مقابله کنیم از بین رفت یا آسیب شدیدی دید اما آن عقب‌ماندگی‌ها هیچ وقت جبران نشد. اگر در یک هفته پیش رو معجزه‌ای رخ ندهد و ابتکاری خارق‌العاده وجود نداشته باشد، بار دیگر کشورمان از لحاظ حقوقی به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل شناخته و دست حریف برای وارد کردن ضربه‌های مختلف بازر می‌شود. به خصوص این که در جریان جنگ ۱۲ روزه‌ای که پشت سر گذاشتیم، عبار توانمندی‌های ایران در حوزه‌های مختلف تا حد زیادی آشکار شد و طرف مقابل نقاط آسیب‌ر به دست آورد؛ نقاطی که بیشتر در حوزه‌های پدافندی است و نه آفندی.

حتی اگر بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت ۶ ماه به تعویق بیفتد، دقیقاً قرار است بعد از این مدت چه تصمیمی بگیریم؟ اگر در کشور واقعاً آرزای برای گرفتن تصمیم‌های سخت وجود دارد، زمان آن همین حالاست نه ۶ ماه دیگر. به این خاطر که تجربه ثابت کرده هر وقت ایران فرصتی را از دست داده، مدتی بعد مجبور شده با هزینه‌ای بیشتر همان فرصت سوخته را زنده کند.

اتخاذ کند که هم بتواند بهانه رفتارهای تند و خشن طرف مقابل یعنی تیم آمریکا و اسرائیل را از بین ببرد، هم این که در سایه امن قرار بگیرد. من همواره فکر می‌کنم ما یا باید قبل از جنگ و در شرایطی که زیربنایی برای بازسازی و روی پا شدن در اختیار داریم به سازگاری برسیم؛ یا این که صبر کنیم جنگ شود و بعد از آن دیگران ببینند و برای باقی‌مانده‌های ایران تصمیم بگیرند. این مسئله مهم ماست. بنابراین، معقول‌ترین راه این است که فکر کنیم چگونه می‌توانیم این کشور را از جنگ و یک حمله بزرگ متضمن آسیب‌های انسانی، اقتصادی و تاریخی دور نگه داریم. «او ادامه داد: «این تغییر، از بازنگری ایران در سیاستش نسبت به موضوع اسرائیل می‌گذرد. این سیاست را می‌توانیم محور اصلی وقایع ۴۷ سال گذشته بدانیم و باید یک تجدیدنظر آبرومندانه درباره آن داشته باشیم. توپ باید در زمین کشورهای عربی باشد چرا که این موضوع نیز از ابتدا موضوع و منازعه اعراب و اسرائیل بود. در حالی که این مسئله با ما ارتباط مستقیمی ندارد و ما باید در خاکریز دوم، از آن‌ها حمایت کنیم. مسئله این است که کشورهای عربی حدود ۳۰ سال است که خواسته‌های خود در موضوع فلسطین را تعدیل کردند. مانیز باید اصول خود را در قالب حمایت از آن‌ها یا بینی کنیم. کشورهای عربی و اسلامی دنباله‌روی دکترین ملک عبدالله هستند. دکترینی که خود را در قالب تشکیل دو دولت موازی، بازگشت به مرزهای شناخته‌شده قبل از جنگ ۱۹۶۷، هماهنگی و همکاری برای بازسازی و جبران خسارت مردم فلسطین است.» مجلسی درباره همراهی اروپا و آمریکا در جریان این اقدامات نیز خاطرنشان کرد: «اروپا و آمریکا از هم جدا نیستند. ما با مجموعه آن‌ها طرف هستیم. اروپا هم بیشتر از آمریکا مایل است که این قضیه خاتمه پیدا کند. برای این که خاورمیانه بازار سنتی آن‌هاست. به همین دلیل مایل هستند قبل از این که فراموش شوند، از این موقعیت استفاده کنند. اما به نظر می‌رسد که امیدشان را به حل مسالمت‌آمیز مسائل از طریق گفت‌وگو از دست داده‌اند. چرا که به زعم خود اطمینان پیدا کردند که قصد ایران از گفت‌وگو صرفاً ابزاری برای خرید زمان بوده تا فرصت لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را به دست بیاورد. این موضوع را هم به قضیه سیاست ایران در قبال اسرائیل ارتباط می‌دهند. این هم‌پوشانی، بسیاری مسائل و سوءتفاهم‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. بعد از جنگ اخیر، بسیاری از مسائل امنی ما موضوعیت خود را از دست دادند. اما به زعم طرف مقابل، این تهدید همچنان باقی است. در درجه اول نیز در این موضوع، با اسرائیل طرف هستیم. آن‌ها هم بدون حمایت اروپا و آمریکا هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند و در حال حاضر تحت حمایت کامل آن‌ها هستند.» این کارشناس حوزه بین‌الملل تاکید کرد: «این که رقابت‌هایی میان اروپا و آمریکا وجود دارد یا اختلاف‌هایی با هم دارند، ارتباطی به ما و مسائل منطقه ما پیدا نمی‌کند. کما این که یکی از آخرین پیام‌های طرف اروپایی این بود که ما دیگر با شما مذاکره نمی‌کنیم و بروید مسائل‌تان را با آمریکا حل کنید. مذاکره با آمریکا هم فقط می‌تواند به صورت مستقیم و از سوی کسی باشد که اختیار توافق داشته باشد. من معتقدم ایران برای این تغییر باید از کشورهای عربی و راهکار دودلویی حمایت کند و دست به تجدیدنظر در سیاست‌های پیشین بزند.»

▼ دیدار با ترامپ هم مشکلی را حل نمی‌کند



**امیرعلی ابوالفتح:** کارشناس مسائل آمریکانیز به خبرنگار هم‌میهن گفت: «از چند ماه قبل مشخص بود که شرایط به این نقطه می‌رسد. به نظر من کشور این موضوع را بررسی و به آن فکر کرده است. بازنگشتن تحریم‌های سازمان ملل فقط به وقوع معجزه بستگی دارد که بعید می‌دانم در این دنیای فانی و شرایط جنگلی نظام بین‌الملل، کسی انتظار معجزه داشته باشد. به همین دلیل معتقدم قرار نیست در این یک هفته پیش رو اتفاقی رخ دهد. ایران باید همین مسیر را تاکنون طی کرده را طی کند. رایزنی‌های دیپلماتیک مستقیم با اروپا و غیر مستقیم با آمریکا، رایزنی با روسیه و چین و همسایگان را ادامه دهد. در عرصه اقتصادی، اقداماتی مانند مدیریت بازار ارز صورت بگیرد. در حوزه نظامی، وضعیت آفندی و پدافندی کشور در میم و همچنین آرایش‌های موشکی دنبال شود. هر حوزه‌ای باید کار خود را به درستی و مانند قبل ادامه دهد. در این یک هفته اتفاق خاصی رخ نخواهد داد. این هفته هم می‌گذرد. با ایران باید آنچه آمریکایی‌ها می‌خواهند را بی‌که‌وکاست انجام دهد و از نگاه آن‌ها، قال قضیه را بکند یا ابتکاری به دست بیاید. انتظار ندارم در این یک هفته تحول بنیادینی رخ دهد و ورق برگردد. ما روز هفتم مهر خواهیم دید که تحریم‌ها یا می‌گردد.»

او ادامه داد: «به طور دقیق نمی‌دانیم چه ابتکاراتی ممکن است که مطرح شود. اما در مقام تحلیل‌گر می‌توانم بگویم که نه توصیه می‌کنم ایران برود و توافق مد نظر آمریکایی‌ها را بپذیرد و نه می‌گویم ایران باید از آن بی‌تی خارج شود، بمب بسازد و تنگه هرمز را ببندد. برخی در این میان موضوع ملاقات آقای پزشکیان و ترامپ در جریان سفر به نیویورک را مطرح می‌کنند که به نظر من آن هم دردی را دو نمی‌کشد.» ابوالفتح تاکید کرد: «اتفاق جدید و خاصی در نیویورک رخ نخواهد داد. این ملاقات‌ها و گفت‌وگوهایی که گفته می‌شود ممکن است بین رئیس‌جمهور ایران و مقامات اروپایی رخ دهد، قیلاً هم اتفاق افتاده است. مثلاً آقای پزشکیان با مترس صدراعظم آلمان، مکرون رئیس‌جمهور فرانسه یا استارمر نخست‌وزیر انگلستان دیدار کند. نه قضیه نیویورک این است که او با ترامپ هم دیدار کند. این هم مشکلی را حل نمی‌کند. اخیراً پوتین و ترامپ در آلکساید دیدار کردند. مشکلات‌شان امروز نسبت به قبل از این دیدار بیشتر شده است. رهبر کره شمالی سه بار با ترامپ دیدار کرد و به قول ترامپ، نامه‌های عاشقانه هم برای هم نوشتند. اما باز هم مشکل حل نشد. شاید ترامپ دوست داشته باشد این کارها را انجام دهد و در مرکز توجه باشد. اما ساختار آمریکا اجازه این تغییر سیاست‌ها را نمی‌دهد. با ترامپ عکس یادگاری هم که گرفته شود، آن ساختار سیاسی یک چک‌لیست را مقابل خود گذاشته که موارد آن را تیک می‌زند. مثلاً، موشکی، هسته‌ای، منطقه‌ای، مثل آنچه برای سوریه رخ داد. سفارت‌های دو کشور در پایتخت‌ها باز شد و احمد الشرع هم قرار است با ترامپ دیدار کند و باقی‌مانده تحریم‌ها هم برداشته شود.» او یادآور شد: «از تماس تلفنی آقای روحانی با اوپاما در سال ۱۳۹۲ یک پله بالاتر برویم، می‌شود دیدار پزشکیان و ترامپ. یعنی آقای پزشکیان صف را بشکنند و با ترامپ دیدار کنند. اتفاقاً ترامپ قطعاً خوشحال می‌شود. پزشکیان را عزت و احترام می‌کند، از ایران و ملت ایران می‌گوید. از سلحشوری ایرانی‌ها تعریف می‌کند. چون این‌ها ویژگی اخلاقی اوست. اما مشکلی حل می‌شود؟ نه. تجربه کره شمالی و روسیه نشان داد که دیدار در بالاترین سطح هم نتیجه‌بخش نیست. چون ساختار آمریکا ایراد دارد. ساختاری که به شدت ضدکره شمالی، روسیه، چین و ایران است. تا این تغییر ساختار در آمریکا رخ ندهد، چیزی عوض نخواهد شد. گرفتن عکس یادگاری هم مشکلی را حل نمی‌کند.»

عکس نوشت

## بچه پیر مرد

درباره عکسی از علیرضا دبیر به بهانه قهرمانی کشتی آزاد و فرنگی در جهان

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

من خیلی اهل ورزش کردن نیستم. راستش را بخواهید طاقت دین ورزش کردن دیگران را هم ندارم. بین خودمان باشد در عالم مجاز هر کدام از رفقایم را هم که عکس خودشان را در حال دویدن، وزنه زدن، رکاب‌زدن یا چه و چه منتشر می‌کنند به ریشخند می‌گیرم و لیچار بارشان می‌کنم. در عمر نه چندان مفیدم به غیر زمان‌هایی که گوشه زمین فوتبال، یا کنار زمین بسکتبال، والیبال یا تنسک کشتی و... به عکاسی نشسته‌ام، یک مسابقه ورزشی را کامل دنبال نکرده‌ام. اما از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان در این سال‌ها تا دلتان بخواهد حاشیه‌های ورزش را دنبال کرده‌ام. این دنبال کردن حاشیه چنان در بند بند وجودم نفوذ کرده که فی‌المثل می‌دانم علیرضا دبیر در حاشیه آن جلسه کذایی نماز و تیره خوانده بود یا مثلاً چه شد که آن بالاها سر مجاهد خذیروای آمد و... اینجا عکس نوشت و مجال ندارم و گرنه اگر قرار باشد در مورد حاشیه‌های ورزش بنویسم می‌توانم ۳۶۵ روز سال ۱۶ صفحه هم میهن را سیاه کنم. واقعیت این است که امثال نگارنده کم نیستند. به یک اعتبار تعداد خیلی خیلی زیادی از مردم این سرزمین لنگ داستان‌هایی هستند که در حاشیه آدم‌های مشهور می‌گذرد. حالا این آدم‌ها می‌توانند ورزشکار، بازیگر، سیاستمدار یا... باشند. همین که چهره‌شان شناخته شود قصه‌شان شنیدنی می‌شود. بگذارید حقیقتی را بگویم. در این سال‌ها رفتار علیرضا دبیر به غیر از دوران قهرمانی‌اش برایم حرص در بیاورد. از ادبیاتش خوشم نمی‌آمد. از رفتارش در شورای شهر کهیر می‌زد. از اعتماد به نفس کاذبش لجم در می‌آمد. از پاچه خار بودنش می‌خواستسم سرم را به دیوار بکوبم. خدامی‌داند که در نهایت خلوص این چند خط را می‌نویسم. در نگاه من روزنامه‌نگار رفتار این سال‌های علی دبیر رفتار کودکی بود که می‌خواست ادای بزرگی در بیاورد. رفتار علیرضا برایم مصداق دقیق آن ضرب‌المثل طلبه‌ها بود که می‌گفتند: شیئان عجیبان همّا اُیْرُ من یَخ / شیخْ یَصْصی و صَبیْ یَتَشَبَّحْ، یعنی دو چیز در این عالم عجیب و بیخ‌تر از یخ است، پیرمردی که ادای بچه‌ها را در بیاورد و بچه‌ای که ادای پیرها را. من در همه این سال‌ها علیرضا را بچه‌ای می‌دیدم که می‌خواهد ادای پیرمردها را در بیاورد. حالا این روزها علیرضای قصه ما نزدیک پنجاه سالش شده. نمی‌دانم خاصیت سن است یا دنیا عوض شده اما این را می‌دانم که بچه پیرمرد قصه ما گل کاشته. گلی کاشته که حاضرم چشم بر همه آن روزهایی که حرصم را در می‌آورد ببندم و به احترامش کلاه از سر بردارم.



عکس: سایت قدر اسپورتن کشتی